

# نقد رأی

دومین نشست نقد رأی دادگستری کل استان کرمان

موضوع: قتل در حالت مستی

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

## فهرست مطالب

بخش اول. آراء قضایی مربوط

بخش دوم. طرح بحث

۱. بیان موضوع

۲. تحلیل و نظر حاضران و قضات صادرکننده رای

بخش سوم. جمع بندی و نتیجه گیری

## گزارش نشست نقد رأی

تاریخ جلسه	روز	ساعت شروع	ساعت پایان	محل جلسه	دبیر جلسه
۱۳۹۹/۰۹/۲۰	پنجشنبه	۰۸:۰۰	۰۹:۰۰	سالن کنفرانس شهید بهشتی دادگستری کل استان کرمان	آقای اسلامی معاون منابع انسانی
<p><b>«نشست نقد رأی قضایی»</b></p> <p><b>با موضوع: قتل در حالت مستی</b></p> <p>با عنایت به اینکه یکی از دفاعیات متهمان در پرونده های کیفری به ویژه قتل، استناد به مستی زمان ارتکاب بزه مسلوب الاراده بودن در آن زمان است، که این دفاع بر روند رسیدگی و تحقیقات پرونده تاثیر گذار بوده، لذا با یکی از ارکان سه گانه بزه یعنی عنصر معنوی یا روانی اصطکاک پیدا نموده، و بازپرس در مرحله تحقیقات، دادرس در مقام رسیدگی در دادگاه به این دفاع باید توجه کافی را نموده، که در صورت صحت ادعا نوع تصمیم متفاوت از زمانی خواهد بود، که این ادعا بلاوجه بوده و در زمان ارتکاب بزه متهم از اراده و اختیار کافی برخوردار بوده است، و به دلیل اهمیت این موضوع و ظرافت های پیرامون آن نشست نقد رأی روز پنجشنبه بیستم دی ماه سال ۱۳۹۹ در دادگستری کرمان با حضور رئیس کل محترم دادگستری جناب آقای دکتر موحد، و معاون محترم منابع انسانی آقای اسلامی، و قضات صادر کننده رأی آقای حسین روحانی، و آقای علی سیدی، و رابط پژوهشگاه قوه قضائیه در استان کرمان آقای اکبری زاده، و تعدادی از قضات، و نماینده مرکز و کلاء قوه قضائیه، و نماینده کانون و کلاء دادگستری کرمان، با حضور آقای دکتر سید مهدی موسوی مدیر گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان برگزار گردید.</p>					
<p><b>اعضاء جلسه</b></p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- آقای موحد رئیس، کل دادگستری استان کرمان.</li> <li>۲- آقای اسلامی، معاون منابع انسانی دادگستری کل استان کرمان.</li> <li>۳- آقای مسعود امیر میجانی، قائم مقام رئیس کل دادگستری استان کرمان.</li> <li>۴- آقای محمدرضا اکبری زاده، مستشار محاکم تجدید نظر استان کرمان، و رابط پژوهشگاه قوه قضائیه.</li> <li>۵- آقای حسین روحانی، رئیس شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان کرمان. (قاضی صادر کننده رای)،</li> <li>۶- آقای علی سیدی، مستشار محاکم تجدید نظر استان کرمان. (قاضی صادر کننده رای)</li> <li>۷- آقای حمید خالقی، مستشار محاکم تجدید نظر استان کرمان.</li> <li>۸- آقای حمید کریمی ، مستشار محاکم تجدید نظر استان کرمان.</li> <li>۹- آقای داریوش جلالی پور، رئیس شعبه ی ۱۰۵ دادگاه کیفری دوشهرستان کرمان.</li> </ol>					

۱۰- آقای شجاعی، نماینده مرکز وکلای قوه قضائیه.

۱۱- آقای دکتر موسوی، مدیر گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.

۱۲- آقای دکتر شعبانی، عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری کرمان.

### بخش اول. آراء قضایی مربوط

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰

شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۳۴۲۸۶۰۰۱۷۰

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۳۴۱۹۰۰۰۲۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه کیفری یک شهر کرمان

متهم: آقای ناصر و آقای مسلم

اتهام: قتل عمد

پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۳۴۲۸۶۰۰۱۷۰ شعبه ۱ دادگاه کیفری یک شهر کرمان (۱ کیفری استان سابق) تصمیم نهایی

شماره

شکات:

۱. آقای علی، (اولیاءدم پدر) فرزند حاجی، با وکالت آقای حسین، فرزند محمد، به نشانی

۲. خانم فاطمه، (اولیاءدم مادر) فرزند درویش، با وکالت آقای حسین، وبا نمایندگی آقای سیدمرتضی، و آقای محسن دفتر

حمایت حقوقی و قضایی از ایثارگران.

متهمین:

۱. آقای مسلم، فرزند محمد، با وکالت آقای احمد،

۲. آقای ناصر، فرزند نصراله، با وکالت آقای محمدحسین،

۳. آقای محسن، فرزند نصراله،

اتهام ها:

۱. قتل عمدی مسلمان

۲. شرب خمر

۳. مشارکت در نزاع دسته جمعی منجر به قتل عمدی

گردش کار: با وصول پرونده وثبت به کلاسه بالا وانجام تشریفات قانونی و نهایتاً رسیدگی لازم با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و پس از شور با استعانت از خداوند سبحان و تکیه بر شرف و وجدان به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

«رای دادگاه»

بر اساس یک فقره کیفرخواست شماره ۹۳۱۰۴۳۳۴۲۷۰۰۰۸۸ مورخه ۱/۲/۹۳ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب رفسنجان، آقایان ۱- ناصر، فرزند نصراله، ۲۶ ساله، جوشکار، متولد ۱۳۶۸، محل تولد و صدور شناسنامه رفسنجان، تحصیلات سیکل، ایرانی، مسلمان، شیعه، متأهل، فاقد سابقه کیفری، ساکن رفسنجان ... متهم می باشد به مباشرت در قتل عمدی مرحوم منصور و شرب خمر، ۲- مسلم، فرزند محمد، ش ملی ۳۰۵۱۳۹۹۸۵۱، ش ش ۱۵۸۹، متولد ۱۳۶۳، محل تولد و صدور شناسنامه رفسنجان، تحصیلات پنجم ابتدائی، متأهل، فاقد سابقه کیفری، شغل آزاد، ایرانی، مسلمان، شیعه، محل سکونت رفسنجان ...، متهم می باشد به شرب خمر و ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به مرحوم منصور، دلایل مندرج در کیفرخواست عبارتند از: شکایت اولیای دم گزارش مرجع انتظامی، نظریه پزشکی قانونی و کمیسیون روان شناسی، اظهارات شهود و مطلعین صحنه، اقرار صریح متهمان، سایر قرائن و امارات موجود در پرونده... در اینجا ناچاریم که قسمتی از بازجوییها را منعکس نمائیم تا مبنای مستحکمی برای قضاوت عادلانه و منصفانه گردد، لذا اجمال قضیه از این قرار است که در مورخه ۲۵/۲/۹۲ طی اعلام مرکز فوریتهای پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک مورد نزاع و درگیری واقع در روستای احمد آباد رضوی کوچه ۱۰، مأمورین کلانتری ۱۱ شهری رفسنجان بلافاصله در محل حاضر و فردی بنام احمد، فرزند علی، اهل وساکن همان روستا به مأمورین مراجعه و در تشریح کیفیت نزاع اعلام می دارد، فردی بنام منصور، ۲۲ ساله به همراه دونفر از دوستانش بنامهای مرتضی و مصطفی (هر دو برادر) با یک دستگاه موتورسیکلت درحال عبور از بلوار شهید طالبی بودند، که افرادی به هویتهای ناصر، و مسلم، محسن، و محمد، در کنار بلوار و سر کوچه شماره ۱۰ ایستاده بودند، و با مشاهده موتورسیکلت و پس از عبور ظاهراً نگاهی چشم در چشم هم داشتن و با صدای سوت آنها را متوجه خود میکنند و موتورسیکلت که رانندگی آن را مرتضی برعهده داشته، و با شنیدن صدای سوت واکنش نشان داده، و دور می زنند، و ناصر و همراهیانش که دارای چاقو و زنجیر بودند، ضمن بگو مگو با یکدیگر مشاجره ایی بین آنها صورت میگیرد، و همین داعیه و انگیزه وقوع نزاع و درگیری آنها میشود، و در نتیجه این رفتار مجرمانه متهمین منجر می شود، که آقای منصور از ناحیه گردن و پهلوی راست و مرتضی از ناحیه دست راست دچار جراحت شده، و از طریق عوامل ۱۱۵ به بیمارستان علی ابن

ایبطالب رفسنجان اعزام و منصور بلحاظ جراحات شدید در اطاق عمل فوت میکند وقاضی محترم کشیک دستور تحقیقات و شناسایی و دستگیری متهمین متواری را صادر و متهم مسلم پس از تماس تلفنی مأمورین و علی رغم مجروحیت خود را به کلانتری معرفی و در اولین اظهارات خود در صفحه ۱۴ که در نزد مأمورین داشته موقوف را چنین تعریف می کند که من به همراه ناصر آمدیم احمد آباد و در بلوار شهید طالبی نشستیم که محسن برادر ناصر به همراه محمد رسیدن و چهار نفری در حال صحبت بودیم که یک دستگاه موتور سیکلت که سه نفر را کب داشت به ما فحاشی ، و ما گفتیم چرا فحاشی میکنید، با هم درگیر شدیم و من و محسن و ناصر با آن سه نفر درگیر شدیم و در پاسخ به این سؤال که چه کسی مقتول را با چاقو مضروب و به قتل رساند؟ ج : چاقو را ناصر زد، و من خودم دیدم و محسن سنگ میزد و محمد نظاره گر بود، و سپس اظهار می دارد ما در زمان درگیری مشروب نخورده بودیم و در حالت عادی درگیر شدیم، ولی در پایان بازجویی اظهار داشته که مشروب را ناصر تهیه کرد و دو نفری داخل باغ خوردیم، و پس از فرار با ناصر تماس تلفنی گرفتیم که گفت : شش ضربه چاقو به مقتول زدیم و آقای مصطفی احدی از همراهیان مقتول در اظهارات اولیه خود در صفحه ۱۲ اظهار می دارد من به عنوان عضوگشت بسیج در خیابان شهید طالبی زاده در حال گشت زنی بودیم و متهمین محسن و ناصر و مسلم و محمد در کنار بلوار نشسته بودند و با سوت زدن ما را صدا کردن و ما بطرف آنها برگشتیم از آنها سؤال کردیم چرا سوت زدید در حالی که از حالت عادی خارج بودند و آقای ناصر و محسن با چاقو و آقای مسلم با زنجیر با مادرگیر شدند و ندیدم چه کسی مقتول را چاقو زد و من فرار کردم و پس از اتمام درگیری برگشتم که مقتول را از طریق ۱۱۵ به بیمارستان برده بودند و متهم مسلم در بازجوییهای بعدی خود در صفحات ۳۴/۳۳/۱۶/۱۵ پرونده در نزد مأمورین و بازپرس محترم با تکرار اظهارات اولیه خود تأکید دارد که ناصر با چاقو زد توی گردن مقتول و در ادامه در خصوص شرب خمر اظهار می دارد سه نفری به مبلغ هشت هزار تومان مشروب خریداری کردیم، و خوردیم و در پایان مسلم در بازجوییهای بعدی خود در صفحات ۲۱ و ۲۲ اظهار می دارد وقتی موتورسیکلت از کنار ما عبور کرد، یکی از ترک نشینها به ما نگاه کرد و ناصر به او گفت چرا نگاه می کنی، و درگیری شروع شد، و محسن و ناصر که مشروب خورده بودند چاقو همراه داشتند، و من هم با سیم گاز موتور چند ضربه به باک موتور آنها زدیم، و منصور به محض اینکه ناصر چاقو را درآورد و باز کرد، پا به فرار گذاشت که ناصر از پشت با چاقو به گردن مقتول زد، و هنوز هم فرار میکرد که ناصر و محسن دنبال او بودند، و سپس احدی از همراهیان متهمین بنام محمد در اولین اظهارات خود در صفحه ۲۳ به عنوان گواه اظهار می دارد من به همراه ناصر و محسن و مسلم در بلوار شهید طالبی زاده نشسته بودیم که مقتول به همراه دو نفر دیگر با موتورسیکلت در حال عبور بودند که مسلم و ناصر بطرف آنها سوت زدن و موتورسیکلت دور زد و محسن و ناصر که مشروب خورده بودند و من جهت جلوگیری از درگیری جلورفتم و به منصور گفتم از اینجا بروید آنها مشروب خوردن و منصور خواست که برگردد که یک نفر از ها به او فحش داد که مرحوم از موتور پیاده شد و با هم درگیر شدند و بطرف هم سنگ پرتاب میکردند و من از صحنه رفتم و در آن لحظه چاقویی دست کسی ندیدم و همچنین آقای ابوالفضل طاهری به عنوان مطلع و شاهد بر شرب خمر متهمین در صفحه ۶۲ و ۷۹ پرونده اظهار می دارد در مورخه ۲۵/۲/۹۲ حدود ساعت ۱۹ بود که ناصر و مسلم با مشروب آمدند خانه من و هر کدام پنج پیک مشروب خوردند و بعد رفتند و آقای مرتضی فرزند عیسی، احدی از همراهیان مقتول در صفحه ۹۳ مشاهدات خود را مطابق اظهارات سایر متهمین و شهود بیان می دارد و می گوید وقتی با سوت آنها برگشتیم درگیری شروع شد و ناصر بطرف من آمد و یک مشت به من زد

ومن دست او را گرفتم که با چاقو به دستم زد و منصور هم از ترک موتور با سرعت پیاده شد و با مسلم درگیر بود و سپس ناصر بطرف منصور رفت و دیدم با چاقو وی را دنبال می کند و تیغه چاقویش بلند بود ولی با چشم خود ندیدم که چاقو به منصور بزند و احدی دیگر از گواهان بنام مهران در مرحله تحقیقات مأمورین و در نزد بازپرس در صفحه ۹۸ و ۹۹ اظهار می دارد من در کنار متهمین در بلوار طالبی نشسته بودم که دیدم یک موتور سیکلت سه ترک خلاف جهت در حال عبور بود و بطرف احمد آباد می رفت و همین که آنها از کنار وارد شدند، مسلم سوت زد آنها ایستادند و محمد به آنها گفت بروید اینها حالشان خوب نیست و آنها حرکت کردند که بروند که یکی از برادران حال نمی دانم. کدام یک بود گفت نگاه نکنید و یک فحش خواهری به آنها داد که منصور از پشت ترک موتور پرید پائین و رفت بطرف برادران و آنها هم (به حالت دوئل) رفتند بطرف منصور و با هم درگیر شدند و مسلم دست کرد توی جیبش و یک سیم کلاچ موتور در آورد و رفت طرف دعوی و محمد سعی میکرد جلوی او را بگیرد که موفق نشد و دو نفر دیگر که همراه مقتول بودند آنها هم پیاده شدند و درگیر شدن و ... با سیم یکی به گردن و یکی به کمر مقتول منصور زد و دو نفری که همراه مقتول بودند فرار کردند و مقتول یک مشت زد توی بینی محسن و فرار کرد، رفت داخل زمین خالی و یک آجر برداشت و به سینه ناصر زد و همین که قصد داشت آجر بعدی را بردارد که محسن و ناصر اطراف مقتول ایستاده بودند و وی را می زدند و محسن با زنجیر می زد و بنظرم چاقو دست ناصر بود و می زد ولی چاقو را ندیدم، ولی از روی حرکاتش مشخص بود که چاقو دستش بود و چاقو را به گردن مقتول زد و فرار کردند و پزشکی قانونی در شرح معاینه جسد در صفحه ۱۸۰ اعلام میدارد یک عدد بریدگی سطحی گونه چپ و بریدگی گردن به طول تقریبی ۷ سانتیمتر قاعده سمت چپ گردن به اضافه بریدگی بطول تقریبی ۶-۷ سانتی متر کشاله ران چپ مشاهده شد و در تابلوی مرگ اعلام میدارد، خونریزی داخلی و عوارض آن بدنال اصابت جسم نوک تیز و برنده به ناحیه گردن و آسیب شدید عروق حیاتی گردن و عروق داخل قفسه سینه را علت تامه مرگ تعیین مینمایند و در جهت دستگیری ناصر و محسن که از زمان وقوع جنایت هولناک قتل متواری بودند حسب اقدامات و پیگیریهای بازپرسی و تلاش مأمورین آگاهی رفسنجان و عوامل اطلاعات سپاه پاسداران و بسیج شهرستان در مورخه ۷/۷/۹۲ در مخفیگاه خود در شهرستان یزد شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و در اولین اظهارات خود در دادسرای یزد صفحه ۲۰۳ و ۲۰۵ پرونده آقای ناصر اظهار می دارد در شب واقعه قتل من به همراه مسلم و برادرم محسن و احدی دیگر از دوستانم بنام محمد در بلوار شهید طالبی زاده در حال صحبت بودیم که منصور و همراهانش با موتور سیکلت در حال عبور بودند و به ما چشم غرک رفتن (با غضب نگاه کردن) و مسلم و من که مست بودیم و مسلم به آنها سوت زد و آنها برگشتند و منصور از روی موتور پرید پائین و شروع به فحاشی کرد و گفت کی سوت زد و آمد کنار من و فکر کرد من سوت زدم و یک مشت زد توی گوش من و افتادم توی جدول و سپس با مسلم درگیر شد و من بلند شدم و با منصور درگیر شدم و مست بودم و متهم در توجیه رفتار خود اظهار می دارد هر کس فردی را در حالت مستی مشت بزند خب می خورد و در این لحظه مسلم رفت طرف مصطفی و مرتضی و همدیگر را می زدند و من هم با مشت منصور را می زدم و در این جین مرتضی من را از پشت گرفت، من داغم گرفت (خیلی عصبانی شدم) و چاقو در آوردم و با چاقو به بازوی مرتضی زدم و درها شدم و دوباره رفتم طرف منصور و او هم آمد طرف من که مشت بهم بزند که با چاقو زدمش و نمی دانم کجاش زدم، مست بودم و بدن منصور گرم بود نفهمیدم دوباره شروع کرد با مشت من را زدن و چرخید و دوباره من یک چاقویی دیگر بهش زدم و با تمامی این اوصاف متهم ناصر که مدتها پس از قتل متواری

ونقشه دفاع را در ذهن ترسیم و در جهت ایجاد شبهه و ایجاد راه فرار از عقوبت مجازات دنیوی اظهار می دارد مسلم هم روی موتورش یک چاقو داشت، ولی من مست بودم و نمی دانم مسلم چطور می‌خواهد با چاقو فرار کردیم و رفتیم داخل باغات اطراف و شب همانجا ماندیم چون به من خبر دادن کسی که بهش چاقو زدی حالش بد است و سپس فردایش بطرف استان یزد متواری شدیم و متهم ناصر در پاسخ به این سؤال به چه نحوه مقتول چاقو زدی؟ پاسخ می دهد حالم خوب نبود فکر کنم از پشت دو ضربه چاقو به مقتول زدم و کسی دیگر غیر از من چاقو نداشت و چاقویم را در همانجا سمت جدول پرتاب کردم و متهم در باب انگیزه قتل چنین اظهار می دارد که من داشتم کتک می خوردم و برای اینکه از خودم دفاع کنم چاقویم را آوردم و زدم که کتک نخورم چون مقتول از من قوی تر بود و در پایان اظهارات خود مکتوب می دارد اقرار و اعتراف به قتل عمدی در صحت سلامت جسمی و روانی و با خط خود مکتوب نمودم و محسن برادر متهم ردیف اول کیفرخواست در صفحه ۲۰۷ در اولین اظهارات خود در تشریح صحنه قتل به همان نحوه دیگر متهمین صحنه را تشریح و تعریف کردند، اظهارات خود را مکتوب و اعلام میدارد. برادرم و مسلم و مقتول و برادران با هم درگیر شدند و با مشت و لگد به جان هم افتادند و هر کاری کردیم نتوانستیم جلوی آنها را بگیریم و مسلم و برادرم ناصر مست بودند که دیدم منصور یکدفعه فرار کرد و حدود سی قدم آن طرف تر افتاد روی زمین رفتم جلو بینم چطور شده که دیدم ازش دارد خون میاد و به برادرم گفتم بچه مردم را کشتی و برادرم را بردم خانه و برگشتم دیدم منصور را بردند بیمارستان و یکی از هم محلیهایمان گفت از این جا برو، منصور چاقو خورده و در مرحله بعدی تحقیق متهم ناصر در نزد بازپرسان دادسرای یزد و رفسنجان به نحوی که گذشت اظهارات خود را تکرار و با بیان جزئیات واقعه جنایی قتل و دخالت در عملیات مادی منتهی به ازهراق نفس را به خود منتسب دانسته ولی رفته رفته در اظهارات بعدی خود با فراز و نشیبی اعلام میدارد مسلم چاقو داشت و او هم با مقتول درگیر و چاقو زد در صورتی که شهود صحنه بخصوص برادر متهم بنام محسن که از اول نزاع حضور داشته به اتفاق اظهار و تأکید داشتند تنها ناصر چاقو داشت و مسلم زنجیر با سیم کلاچ در دست داشت و همچنین وحدت اظهارات سایر متهمین در اینکه تنها متهم ناصر دارای چاقو بوده و سایرین فاقد چاقو بودند که اظهارات منطبق و تطبیق عملی زمانی و مکانی دارند و در پایان دادستان محترم با التفات به شرح و دلایل ابرازی کیفرخواست خود را نسبت به ناصر مبنی بر مباشرت در قتل عمدی مرحوم منصور و شرب خمر و نسبت به متهم مسلم شرب خمر و ایراد ضرب ( نسبت به مقتول) صادر و پرونده در روند دادرسی دادگاه قرار میگیرد و متهم ردیف اول ناصر در اولین جلسه دادرسی دادگاه در دفاع از اتهام و توجیه رفتار خود پرداخته و اعلام میدارد اصل قتل را قبول دارم ولی مست بودم و عمداً وی را نکشتم و شرب خمر را نیز قبول دارم و اظهار می دارد از منزل ابوالفضل که مشروب خوردیم تا بلوار محل واقعه قتل فاصله زیادی بود و رانندگی موتور سیکلت را خودم بر عهده داشتم و مسلم پشت سرم نشسته بود صفحه ۵۴۱ که همگی از جمله افعالی هستند که نیاز به اندیشه و تفکر و تمرکز دارد و از یک فرد مست و لا یعقل بر نمی آید که رانندگی موتور سیکلتی را در یک مسیر طولانی و بدون حادثه برعهده بگیرد و نتیجتاً دادگاه در آخرین جلسه دادرسی در مورخه ۱۶/۸/۹۴ در جهت اقناع وجدان مفصلاً اظهارات متهمین را استماع و سئوالات متعددی را مطرح و با انعکاس ریز قضیه از زبان مشارالیهیم پرداخته و حتی الامکان تلاش نموده در آخرین محاکمه محور دادرسی را حول جزئیات واقعه جنایی قتل و تشریح آن از زبان متهم ردیف اول و سایر متهمین معطوف دارد و متهم ناصر با فراز و نشیبی که در اظهارات خود داشته، اظهار می دارد دو ضربه چاقو را به کتف



مقتول زدم ولی به گردن وی نزدم و سپس تلویحاً می گوید شاید چاقوی من به گردن مقتول اصابت کرده باشد و نتیجتاً در جهت کتمان حقیقت و خلاصی خود از مجازات اظهار داشته، اظهارات شهود را قبول ندارم و در زمان دعوی مست بودم و اعصابم خورد بود و در پاسخ به این سؤال که برادرت محسن مکرراً اظهار داشته مسلم چاقو نداشته ؟ ج- اظهار می دارد قبول ندارم برادرم را در دادگاه سؤال پیچ کردند و نفهمیده چه بگویم و متهم ردیف دوم کیفرخواست آقای مسلم نیز در آخرین دفاعیات خود در صفحه ۴۸۱ اظهار می دارد چاقو نداشتم و کسی را مجروح نکردم و شرب خمر را قبول دارم و مست بودم و از آنجا که متهمین کیفرخواست در یک زمان و یک مکان و بطور مساوی شرب خمر نموده اند و در اینجا دادگاه در توجیه اثبات عقلانیت متهمین و استحکام استدلال خود گریزی به فرهنگ میگساران که در لغت عامیانه فارسی و معانی آن چنین آمده است که میگساران خود را پایبند اصولی می دانند از جمله توزیع عادلانه مشروب در محافل خود که مهمان و میزبان و ساقی و گنده لات همه در یک ردیف و بصورت مساوی از شراب مهیا شده بهره میگیرند و کسی هم حق خروج از این رکن را ندارد، لذا با تعریف فوق واز آنجا که متهم مسلم در اظهارات خود تأکید داشته که همراه ناصر بودم و چهار تا پنج پیک مشروب خوردم و حالت عادی داشتم و متهم ناصر نیز در صفحه ۴۵۰ اظهار داشته، من چندین سال است که شراب می خورم، لذا با وصف فوق بایستی تأثیر مشروب بر آنها یکنواخت باشد، هر چند که این مقدار مصرف مشروب برای متهم ردیف اول که خود را طیب و لوطی محل می داند نمی تواند زائل عقل وی گردد و زمام اختیار را از کف وی ببرد، لذا این اظهارات و مدافعات متهم و وکیل محترم ایشان مقبول دادگاه نیست، چرا که متهم با انگیزه طیب بودن در محل و نظارت بر رفتار جوانهای محل بخصوص عبور مرور غریبه ها در آن محل برآن بوده تا تسلط و شیفتگی خود را به مرحله ظهور برساند و خود را برای همراهیان و اهل محل به اثبات برساند و وکیل متهم در صفحه ۴۸۲ و لوائح تقدیمی در آخرین دفاعیات خود تلویحاً پذیرفته که موکل ناصر دو ضربه به مقتول وارد کرده ولی مدعی است ضربات وارده منجر به قتل نشده، در صورتی که در نظریه پزشکی قانونی یک ضربه به کتف و گردن و پهلو... را مورد تأیید قرار داده و متهم نیز در اظهارات اولیه خود ضربات وارده به مقتول بخصوص ضربه وارده به گردن را قبول نموده و دفاعیات وکیل محترم خلاف مستندات پرونده می باشد، چرا که تنها مستند ادعای وکیل محترم اظهارات موکل ناصر می باشد و دلیل قابل قبولی در معتبر بودن این ادعا ارائه و اقامه نموده و در لایحه خود به فروضات و احتمالات و با ایجاد شبهه به دفاع از موکل خود پرداخته و دادگاه ناگزیر از تحقیق و بررسی مجدد و ارسال پرونده به دادسرای صادرکننده کیفرخواست جهت رفع این شبهات و ارتقاء نواقص مدنظر وکیل محترم را اجابت، که ماحصل این تحقیقات پس از ارتقاء نواقص تأکید دوباره برادران بر اینکه تنها ناصر در صحنه چاقو داشته و این مطلب مورد تأیید خواهرزاده مقتول محسن الف که یکی از شهود صحنه درگیری بوده، قرار گرفته و ایشان نیز در مراحل اولیه تحقیقات مقدماتی تأکید دارند تنها ناصر دارای چاقو بوده و مسلم یک زنجیر یا چیزی شبیه به آن در دست داشت . علیهذا با توجه به موارد پیش گفته و عنایت به مجموع محتویات پرونده و مفاد کیفرخواست و دلایل احصایی در آن از جمله گزارش مرجع انتظامی، شرح معاینه جسد و گواهیهای صادره از پزشکی قانونی در خصوص علت فوت مقتول و نظریه کمیسیون روان شناسی و شکایت اولیای دم و درخواست قصاص مرتکب و اظهارات برادر متهم محسن و همراهان وی و اظهارات متهم ردیف دوم کیفرخواست که در جبهه متهم ردیف اول بوده و خصوصاً اظهارات اولیه متهم ناصر که به جهت عدم تأثیر از محیط و آموزشهای اطرافیان که از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است و به اتکای برخوردار از اظهارات

شهود یاد شده و مکشوفات محصله از دادرسیها که همگی مسیر متعارفی را برای حصول علم نوعی دادگاه بازگشایی و مقدر نمودند و نظر به تناقضات متعدد و مکرر و فاحش متهم ناصر که تا پایان دادرسی هم ادامه داشته، خصوصاً این تناقض گوئیها مربوط می شود به آن قسم از اظهارات متهم که خواسته، خود را در واقعه جنایی مسلوب الاراده جلوه دهد و متهم دیگر کیفرخواست آقای مسلم را در پیکره مادی جنایت دخالت دهد و بعضاً وکیل محترمش بدان تمسک نموده و عمده دفاعیات خود را بر همین دوماحور استوار نموده و از آنجا که ادعای مسلوب الاراده بودن به جهت مستی نیز غیر موجه بوده و قابل پذیرش نیست، زیرا آنچه در باب عوامل رافع مسئولیت کیفری مدنظر شارع مقدس و قوانین موضوعه است، درجه ایی از مستی می باشد که موجب زوال عقل و قوه تمیز و درک فرد از محیط اطراف و عدم کنترل اعمال و رفتارش گردد، که در ما نحن فیه علی رغم اینکه ادعای مذکور خلاف اصل بوده و مستلزم اثبات با ادله شرعی از سوی مدعی می باشد که بر اساس اظهارات متهم و همراهانش علت وقوع نزاع و اکنش طرفین به نگاهها و رفتار و گفتار یکدیگر بوده، که دلالت بر داشتن اراده و اختیار در ارتکاب جرم دارد و عقل و شعورش به خوبی و به مشابه یک انسان عادی کار میکرده و فرمان می داده است و دفاع مسلوب الاراده بودن به هیچ وجه قابل پذیرش نیست، خصوصاً که برخی از متهمین من جمله مسلم که هم محفل وی در شرب خمر بوده، گفته حال من عادی بوده و قرائن موجود نیز مبین همین امر می باشد و عطف توجه به اقرار متهمین به شرب خمر (به حد نصاب شرعی) و نظر به سایر قرائن و امارات که حالیه و مقالیه جملگی موجب علم نوعی و متعارف و اقناع وجدان و انتساب بزه قتل عمدی مرحوم منصور با ایراد ضرب و جرح با چاقوبه ناحیه گردن و سایر اعضاء بدن را به ناصر منتسب که بلحاظ حساسیت موضع، نوع آلت بکار رفته و شدت ضربات وارده مجموعاً عملی نوعاً کشنده و مرگ آفرین است و حال بشرح آنچه گذشت و صرفه نظر از دفاعیات بلاوجه متهم، لذا انتساب قتل عمدی ظالماً و عدواناً نسبت به متهم ناصر ثابت و محرز می باشد، فلذا به حکم آیه شریفه قصاص و معطوف به درخواست اولیای دم که همگی در حد سن شرعی و قانونی جهت استیفاء حق قصاص می باشند، مستنداً به مواد ۲۱۱، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۶۴، ۱۶۰ کتاب اول و بند ب ماده ۴۱۸، ۴۱۷، ۳۴۷، ۳۸۱، ۳۵۱، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۹۰ از کتاب دوم و سوم قانون مجازات اسلامی آقای ناصر را از باب مباشرت در قتل عمدی مرحوم منصور پدر یوسفی به تحمل قصاص نفس از طریق حلق آویز شدن به چوبه دارد محل زندان شهرستان دادرسی مجری حکم و از باب اتهام شرب خمر به تحمل هشتاد تازیانه شلاق حدی محکوم می نماید و اولیای دم می توانند با اذن ولی امر مسلمین نسبت به اجرای حکم قصاص اقدام نمایند و اما در خصوص اتهام متهم ردیف دوم کیفرخواست آقای مسلم مبنی بر ایراد ضرب ساده نسبت به مقتول و شرب خمر دادگاه در باب شرب خمر بلحاظ اقرار مکرر ایشان در مراحل تحقیقات و دادرسی به هشتاد ضربه تازیانه حدی محکوم می نماید که اجرای شلاق به نحوی خواهد بود که قانون و شرع مقرر و تعیین کرده است و نسبت به اتهام دیگر متهم ردیف دوم مبنی بر ایراد ضرب ساده صرفه نظر از انکار متهم نظریه اینکه در قوانین جاریه مجازات اسلامی چنین عنوانی نداریم و جرم انگاری نشده است و تنها مجازات آن را پرداخت دیه مقرر داشته و اولیای دم نیز چنین درخواستی را مطرح نکردند، لذا از این حیث رأی بر منع تعقیب متهم صادر و اعلام میگردد و در خصوص شکایت آقای مرتضی علیه ناصر مبنی بر ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقونظریه اینکه دادستان محترم در این خصوص کیفرخواستی صادر نفرمودند و بدون کیفرخواست نیز اسکان رسیدگی و صدور حکم متصور نمی باشد، لذا دادگاه مواجه با تکلیفی نیست و از آنجا که متهم مکرراً به ارتکاب این جرم اقرار دارد، شاکی به پیگیری شکایت خود از طریق

دادسرا ارشاد می گردد . رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجامخواهی در دیوان محترم عالی کشور می باشد .

رئیس دادگاه : حسین روحانی راوری      مستشار دادگاه : علی سیدی

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰

شماره پرونده: ۹۲۰۹۹۸۳۴۲۸۶۰۰۱۷۰

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۳۴۱۹۰۰۰۲۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه کیفری یک شهر کرمان

متهم: آقای ناصر و آقای مسلم

بسمه تعالی

فرجام خواه: آقای محمدحسین الف وکیل تعیینی آقای ناصر ف فرزند نصراله ۲۶ ساله جوشکار باسواد متاهل

فرجام خوانده: اولیاءدم مرحوم منصور پ

فرجام خواسته دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۳۴۱۹۰۰۰۲۱۵-۲۰/۶/۱۳۹۶ صادره از شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان کرمان

تاریخ ابلاغ دادنامه به فرجام خواه: ۶/۷/۱۳۹۶

تاریخ وصول دادخواست فرجامی: ۲۶/۷/۱۳۹۶

مرجع رسیدگی: شعبه چهارم دیوانعالی کشور

هیأت شعبه آقایان: قاسم پناو(رئیس) سیدحسین بهرامی(مستشار)

خلاصه جریان پرونده:

.....

با توجه به محتویات پرونده و گزارش پلیس آگاهی شهرستان رفسنجان در ساعت ۱۰ شب روز ۲۶/۲/۹۲ در یک نزاع واقع شده در روستای احمدآباد رضوی منجر به قتل یک نفر بنام آقای علی پ فرزند علی متولد ۱۳۶۶ ساکن روستای احمدآباد رضوی گردیده پلیس آگاهی پس از بررسی بموضوع مجنی علیه را به بیمارستان علی ابن ابیطالب رفسنجان انتقال دادند که در بیمارستان فوت نموده است با بررسی های بعمل آمده و اظهارات مطلعین و گواهان سه نفر بنامان ۱- ناصر ف فرزند نصراله ۲- محسن ف فرزند نصراله ۳- مسلم ح فرزند محمد ضمن نزاع و درگیری با زدن ضربه چاقو از ناحیه گردن مجروح و در نهایت به قتل رسیده است که متوفی به اتفاق مرتضی اف فرزند یحیی ۲- مصطفی الف فرزند یحیی بوده که با متوفی سه نفر با موتور بودند با موتور در حال حرکت بودند به افراد ف نگاه کردند آقای ناصر ف گفت چرا نگاه می کنی که آقای الف آمده و به آقای ناصر ف گفت چه می گویی که نزاع شروع شد و در این خصوص آقای علی پ با چاقو مجروح و فوت نموده است متهم متواری مراتب به دادسرای رفسنجان گزارش پرونده به شعبه اول بازپرسی ارجاع در ص ۱۷ از مصطفی الف فرزند عیسی متولد ۱۳۶۸ تحقیق شده اظهار داشته: در رابطه با نزاع و درگیری آقایان ف و مسلم ح و آقای منصور پ مورد جرح قرار گرفت آقایان محسن و ناصر ف و آقای ح و محمد ک صوت زدن ما را صدا کردند وقتی که سوال کردیم چکار دارید، درحالی که از حالت عادی خارج بودند و بعد خواستیم با رئیس پاسگاه تماس بگیریم آقایان ناصر و محسن ف با چاقو و آقای ح با زنجیر با ما درگیر شدند و چاقو در دست ف هر دو نفر چاقو داشتند و آقای ح زنجیر داشت درگیر شدند ندیدم چه کسی چاقو زد. چاقو را یکی از ف ها زده و بعد هر چهار نفر از صحنه متواری شده مسلم ح در ص ۱۳ اظهار داشته: من به همراه ناصر ف آمدیم احمدآباد سر بلوار و برادر ناصر ف بنام محسن ف و محمد ک رسیدند چهار نفری کنار بلوار نشسته بودیم بعد سه نفر که آنها را نمی شناختیم با موتور رسیدند و فحاشی کردند من و ناصر بیرون از خودروی محسن و محمد ک روی موتور آن سه نفر داخل ماشین بودند وقتی سه نفر بما فحاشی کردند نفر آخر که موهایش بلند بود فحش داد و وقتی ما گفتیم چرا فحش می دهی و درگیر شدیم و من و محسن و ناصر ف با آن سه نفر درگیر شدیم و آن سه نفر موتور را گذاشتند و فرار کردند و من کنار موتور بودم. س- چاقو را چه کسی زده و به چه نحوی چاقو را زد. هنگام درگیری شما از حالت عادی خارج بودید؟ ج- چاقو را آقای ناصر ف زده و من خودم دیدم که چاقو را ناصر ف زد و محسن ف سنگ می زد در همین حال یک ضربه دست من خورد و محمد ک در همان محل نگاه می کرد. آقای مصطفی الف یکی از همراهان مقتول بوده در ص ۱۲ گفته: من به عنوان عضو گشت بسیج در حال گشت زنی بودم و آقایان محسن و ناصر ف و مسلم ح و محمد ک در کنار بلوار نشسته بودند که ما سه نفری با موتور رد میشدیم با زدن سوت ما را صدا زدند و ما بطرف آنها دور زدیم از آنها پرسیدیم چرا سوت زدید آقای ناصر ف با چاقو زد توی گردن آقای پ و در رابطه با شرب خمر اظهار میدارد سه نفر مبلغ هشت هزار تومان مشروب خریداری کردیم و خوردیم آقای مسلم ح در بازجویی بعدی صفحه ۲۱ و ۲۲ گفته وقتی موتورسیکلت از کنار ما رد شد یکی از آنها به ما نگاه کرد ناصر ف به او گفت چرا نگاه می کنی که ترک نشین فوراً پیاده و بسمت ما آمد و درگیر شدیم من هم با سیم گاز موتور چند ضربه به باک موتور آنها زدم منصور پ به محض اینکه ناصر ف چاقو را درآورد و باز کرد پا به فرار گذاشت که ناصر ف از پشت او با چاقو به گردن مقتول زد و هنوز هم فرار میکرد که ناصر و محسن ف دنبال او بودند و سپس احدی از همراهان متهمین بنام محمد ک در صفحه ۲۳ بعنوان گواه اظهار می دارد: من به همراه ناصر و محسن ف و مسلم ح در بلوار شهیدطالبی زاده

نشسته بودیم که مقتول به همراه دو نفر دیگر با موتورسیکلت در حال عبور بودند که مسلم حسینی و ناصر ف بطرف آنها سوت زدند و موتورسیکلت آنها دور زد و محسن و ناصر که مشروب خورده بودند و من جهت جلوگیری از درگیری جلو رفتم و به منصور پ گفتم از اینجا بروید آنها مشروب خوردن و منصور پوسفی خواست که برگردد که یک نفر از ف ها به او فحش داد که مرحوم از موتور پیاده شد و با هم درگیری شدند و من از صحنه رفتم آقای ابوالفضل طاهری به عنوان مطلع و شاهد بر شرب خمر متهمین در برگه‌های ۶۲ و ۷۹ گفته اند در مورخ ۲۵/۲/۹۲ ساعت ۱۹ ناصر و مسلم با مشروب آمدند خانه من و هر کدام پنج پیک مشروب خوردند و رفتند آقای مرتضی الف از همراهان مقتول در ص ۹۳ مطابق با اظهارات متهمین شهود اظهار نموده وقتی با سوت آنها برگشتند درگیری شروع شد و ناصر بطرف من آمد و یک مشت به من زد و من دست او را گرفتم که با چاقو به دستم زد و منصور پ فوراً از ترک موتور با سرعت پیاده شد و با مسلم ح درگیر بود و سپس ناصر ف بطرف منصور پ رفت و دیدم با چاقو وی را دنبال می کند و تیغه چاقو بلند بود من ندیدم که چاقو به منصور بزند آقای مهران ع در نزد مامورین انتظامی در صفحه ۹۸ و ۹۹ بعنوان گواه گفته من در کنار متهمین در بلوار طالبی بودم و دیدم یک موتورسیکلت سه ترکه خلاف جهت در حال عبور بود و بطرف احمدآباد می رفت همین که از کنار ما رد شد مسلم ح سوت زد آنها برگشتند و محمد ک به آنها گفت بروید اینها حالشان خوب نیست آنها میخواستند که بروند یکی از برادران ف گفت نگاه نکنید و یک فحش خواهر به آنها داد که منصور پوسفی از پشت ترک موتور پرید پائین و رفت بطرف برادران ف و آنها هم رفتند بطرف منصور پ و با هم درگیر شدند و مسلم ح دست کرد توی جیبش و یک سیم کلاج موتور درآورد و رفت طرف دعوی...و دو نفر دیگر که همراه مقتول بودند آنها هم پیاده شدند و درگیر شدن و ح با سیم یکی به گردن و یکی به کمر مقتول منصور پ زد و دو نفری که همراه مقتول بودند فرار کردند و مقتول یک مشت زد توی بینی محسن ف و فرار کرد رفت داخل زمین خالی و یک آجر برداشت و به سینه ناصر زد و همین که قصد داشت آجر بعدی را بردارد که محسن و ناصر اطراف مقتول ایستاده بودند و وی را می زدند و محسن ف با زنجیر می زد و بنظرم چاقو دست ناصر بود و می زد ولی چاقو را ندیدم ولی از روی حرکاتش مشخص بود که چاقو دستش بود و چاقو را به گردن مقتول زد و فرار کردند پزشکی قانونی در شرح معاینه جسد در صفحه ۱۸۰ اعلام میدارد یک عدد بریدگی سطحی گونه چپ و بریدگی گردن به طول تقریبی ۷ سانتیمتر قاعده سمت چپ گردن به اضافه بریدگی بطول تقریبی ۶-۷ سانتی متر کشاله ران چپ مشاهده شد و در مورد علت تامه مرگ اعلام میدارد، خونریزی داخلی و عوارض آن بدنبال اصابت جسم نوک تیز و برنده به ناحیه گردن و آسیب شدید عروق حیاتی گردن و عروق داخل قفسه سینه را علت تامه مرگ تعیین مینمایند و در جهت دستگیری ناصر و محسن ف که از زمان وقوع جنایت هولناک قتل متواری بودند حسب اقدامات و پیگیریهای بازپرس و تلاش مأمورین آگاهی رفسنجان و عوامل اطلاعات سپاه و بسیج شهرستان در مورخ ۷/۷/۹۲ در مخفیگاه خود در شهرستان یزد شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و در اولین اظهارات خود در دادسرا یزد صفحه ۲۰۳ و ۲۰۵ پرونده آقای ناصر ف اظهار می دارد در شب واقعه قتل من به همراه مسلم ح و برادرم محسن ف و احدی دیگر از دوستانم بنام محمد ک در بلوار شهید طالبی زاده در حال صحبت بودیم که منصور پ و همراهانش با موتورسیکلت در حال عبور بودند و به ما چشم غرک رفتن و با غضب نگاه کردن و مسلم ح و من که مست بودیم مسلم به آنها سوت زد و آنها برگشتند و منصور از روی موتور پرید پائین و شروع به فحاشی کرد و گفت کی سوت زد و آمد کنار من

و فکر کرد من سوت زدم و یک مشت زد توی گوش من و افتادم توی جدول و سپس با مسلم ح درگیر شد و من بلند شدم و با منصور پ درگیر شدم و مست بودم متهم در توجیه رفتار خود اظهار می دارد هرکس فردی را در حالت مستی مشت بزند مسلم می خورد و در این لحظه مسلم رفت طرف مصطفی و مرتضی الف وهمدیگر را می زدند و من هم با مشت منصور پ را می زدم و در این حین مرتضی الف پور من را از پشت گرفت من داغ کردم (خیلی عصبانی شدم) و چاقوی خودم را درآوردم و با چاقو به بازوی مرتضی زدم و رها شدم و دوباره رفتم طرف منصور پ و او هم آمد طرف من که مشت بهم بزند که با چاقو زدمش و نمی دانم کجایش زدم، مست بودم و بدن منصور گرم بود نفهمیدم و دوباره شروع کرد با مشت من را زدن و چرخید و دوباره من یک چاقویی دیگری بهش زدم و با تمامی این اوصاف متهم ناصر ف که مدتها پس از قتل متواری و نقشه دفاع را در ذهن ترسیم و در جهت ایجاد شبهه و ایجاد راه فرار از عقوبت مجازات دنیوی اظهار می دارد مسلم ح هم روی موتورش یک چاقو داشت، ولی من مست بودم و نمی دانم مسلم ح چطور می خورد و در پایان نزاع با موتور فرار کردیم و رفتیم داخل باغات اطراف و شب همانجا ماندیم چون به من خبر دادن کسی که بهش چاقو زدی حالش بد است و سپس فردایش بطرف استان یزد متواری شدیم، متهم ناصر ف در پاسخ به این سؤال به چه نحو به مقتول چاقو زدی؟ پاسخ می دهد حال خوب نبود فکر میکنم از پشت دو ضربه چاقو به مقتول زدم و کس دیگر غیر از من چاقو نداشت و چاقویم را در همانجا سمت جدول پرتاب کردم و متهم در باب انگیزه قتل چنین اظهار می دارد که من داشتم کتک می خوردم و برای اینکه از خودم دفاع کنم چاقویم را درآوردم و زدم که کتک نخورم چون مقتول از من قوی تر بود و در پایان اظهارات خود مکتوب می دارد، اقرار و اعتراف به قتل عمدی در صحت و سلامت جسمی و روانی و با خط خود مکتوب نمودم و محسن ف برادرم متهم در صفحه ۲۰۷ در اولین اظهارات خود در تشریح صحنه قتل گفته و بهمان نحو که دیگر متهمین صحنه قتل را تشریح و تعریف کردند اظهارات خود را مکتوب و اعلام میدارد: برادرم و مسلم ح و مقتول و برادران الف پور با هم درگیر شدند و با مشت و لگد به جان هم افتادند و هر کاری کردیم نتوانستیم جلوی آنها را بگیریم و مسلم و برادرم ناصر مست بودند که دیدم منصور پ یکدفعه فرار کرد و حدود سی قدم آن طرف تر افتاد روی زمین رفتم جلو ببینم چطور شده که دیدم ازش دارد خون میآید و به برادرم گفتم بچه مردم را کشتی و برادرم را بردم خانه و برگشتم دیدم منصور را بردند بیمارستان و یکی از هم محلیهایمان گفت از این جا برو، منصور پورسفی چاقو خورده و در مرحله بعدی تحقیق متهم ناصر ف در نزد بازپرسان دادسرای یزد و رفسنجان به نحوی که گذشت اظهارات خود را تکرار و با بیان جزئیات واقعه جنایی قتل و دخالت در عملیات مادی منتهی به ازهاق نفس را به خود منتسب دانسته است ولی رفته رفته در اظهارات بعدی خود با فراز و نشیبی اعلام میدارد مسلم ح چاقو داشت و او هم با مقتول درگیر و چاقو زد در صورتی که شهود صحنه بخصوص برادر متهم بنام محسن که از اول نزاع حضور داشته به اتفاق اظهار و تأکید داشتند تنها ناصر چاقو داشت و مسلم ح زنجیر با سیم کلاچ در دست داشت و همچنین وحدت اظهارات سایر متهمین در اینکه تنها متهم ناصر ف دارای چاقو بوده و سایرین فاقد چاقو بودند که اظهارات منطبق و تطبیق عملی زمانی و مکانی دارند آقای بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب رفسنجان در نظریه نهایی مورخ ۷/۱/۹۳ درخصوص اتهام آقایان: ۱- ناصر ف فرزند نصراله مبنی بر قتل عمدی مرحوم منصور پ و شرب خمر ۲- محسن ف فرزند نصراله مبنی بر شرکت در نزاع منجر به قتل عمدی ۳- مسلم ح فرزند محمد مبنی بر شرکت در نزاع منجر به قتل و شرب خمر و ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به

مرحوم منصور پ (با زنجیر) بشرح مندرج در قرار نهایی ارتکاب بزه از ناحیه متهمین محرز و مسلم تشخیص و با انطباق عمل ایشان با مواد ۲۹۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۷۹۰ از قانون مجازات اسلامی قرار مجرمیت ایشان به استناد بند ک ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب صادر و اعلام میگردد درخصوص اتهام آقایان: محسن ف فرزند نصراله و محمد ک فرزند اصغر مینی بر شرکت در نزاع منجر به قتل عمد و شرب خمر و مساعدت در فرار متهمین و ناصر ف و مرتضی الف فرزند عیسی مینی بر شرکت در نزاع منجر به قتل و مصطفی الف فرزند عیسی مینی بر شرکت در نزاع منجر به قتل، ابوالفضل طاهری فرزند سعداله مینی بر شرب خمر و مساعدت در فرار متهم مختار ف فرزند حسین مینی بر مساعدت و دیگر متهمین بشرح مندرج در قرار نهایی با توجه به عدم کفایت دلیل و حاکمیت اصل براءت و باستناد ماده ۳۷ قانون اساسی و بند الف از ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری قرار منع پیگرد متهمین مذکور صادر و اعلام میگردد قرار پس از اطلاع آقای دادستان ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است بازپرس شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب رفسنجان همکار محترم: با قرار مجرمیت آقایان: ناصر ف مینی بر قتل عمد و شرب خمر مسلم ح مینی بر شرب خمر و ایراد ضرب و جرح عمدی به مرحوم منصور پ و سایر قرارهای منع تعقیب موافقت می گردد. معاون دادستان رفسنجان امضاء. ۱۶/۱/۹۳ کیفرخواست شماره ۹۳۱۰۴۳۳۴۲۱۸۰۰۰۸۸ مورخ ۱/۲/۱۳۹۳ درباره ناصر ف فرزند نصراله ۲۱ ساله به قتل عمدی مرحوم منصور پ و شرب خمر و مسلم ح فرزند محمد ۳۰ ساله متهم به شرب خمر و ایراد ضرب و جرح مرحوم منصور پ تنظیم گردیده است پرونده در شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان کرمان مطرح و رسیدگی متهم ناصر ف در روند دادرسی دادگاه در اولین جلسه دادرسی دادگاه در دفاع از اتهام به توجیه رفتار خود پرداخته و اعلام میدارد اصل قتل را قبول دارم ولی مست بودم و عمداً وی را نکشتم و شرب خمر را نیز قبول دارم و اظهار می دارد از منزل ابوالفضل طاهری که مشروب خوردیم تا بلوار محل واقعه قتل فاصله زیادی بود و رانندگی موتورسیکلت را خودم بر عهده داشتم و مسلم ح پشت سرم نشسته بود ص ۵۴۱ که همگی از جمله افعالی هستند که نیاز به اندیشه و تفکر و تمرکز دارد و از یک فرد مست ولا یعقل بر نمی آید که رانندگی موتورسیکلتی را در یک مسیر طولانی و بدون حادثه بر عهده بگیرد و نتیجتاً دادگاه در آخرین جلسه دادرسی در مورخ ۱۶/۸/۹۴ در جهت اقناع وجدان مفصلاً اظهارات متهمین را استماع و سئوالات متعددی را مطرح و با انعکاس ریز قضیه از زبان مشارالیهم پرداخته و حتی الامکان تلاش نموده در آخرین محاکمه محور دادرسی را حول جزئیات واقعه جنایی قتل و تشریح آن از زبان متهم ردیف اول و سایر متهمین معطوف دارد و متهم ناصر ف با فراز و نشیبی که در اظهارات خود داشته اظهار می دارد دو ضربه چاقو را به کتف مقتول زدم ولی به گردن وی نزدم و سپس تلویحاً می گوید شاید چاقوی من به گردن مقتول اصابت کرده باشد و نتیجتاً در جهت کتمان حقیقت و خلاصی خود از مجازات اظهار داشته: اظهارات شهود را قبول ندارم و در زمان دعوی مست بودم و اعصابم خورد بود و در پاسخ به این سؤال که برادرت محسن مکرراً اظهار داشته مسلم ح چاقو نداشته؟ ج- جواب داده اظهار می دارد قبول ندارم برادرم را در دادگاه سؤال پیچ کردند و نفهمیده چه بگویم و متهم ردیف دوم کیفرخواست آقای مسلم ح نیز در آخرین دفاعیات خود در صفحه ۴۸۱ اظهار می دارد چاقو نداشتم و کسی را مجروح نکردم و شرب خمر را قبول دارم و مست بودم و از آنجا که متهمین کیفرخواست در یک زمان و یک مکان و بطور مساوی شرب خمر نموده اند در اینجا دادگاه در توجیه اثبات عقلائی متهمین و استحکام استدلال خود گریزی به فرهنگ میگساران که در لغت عامیانه فارسی و معانی آن چنین آمده

است که میگساران خود را پایبند اصولی می دانند از جمله توزیع عادلانه مشروب در محافل خود که میهمان و میزبان و ساقی و گنده لات همه در یک ردیف و بصورت مساوی از شراب مهیا شده بهره میگیرند و کسی هم حق خروج از این رکن را ندارد لذا با تعریف فوق و از آنجا که متهم مسلم ح در اظهارات خود تأکید داشته که همراه ناصر ف بودم و چهار تا پنج پیک مشروب خوردم و حالت عادی داشتم و متهم ناصر ف نیز در صفحه ۴۵۰ اظهار داشته من چندین سال است که شراب می خورم لذا با وصف فوق بایستی تأثیر مشروب بر آنها یکنواخت باشد هرچند که این مقدار مصرف مشروب برای متهم ردیف اول که خود را طیب و لوطی محل می داند نمی تواند زائل عقل وی گردد و زمام اختیار را از کف وی ببرد لذا اظهارات و مدافعات متهم و وکیل ایشان معقول دادگاه نیست چرا که متهم با انگیزه طیب بودن در محل و نظارت بر رفتار جوانهای محل بخصوص عبور مرور غریبه ها در آن محل بر آن بوده تا تسلط و شیفتگی خود را به مرحله ظهور برساند و خود را برای همراهیان و اهل محل به اثبات برساند و وکیل متهم در صفحه ۴۸۲ و لوابح تقدیمی در آخرین دفاعیات خود تلویحاً پذیرفته که موکل ناصر ف دو ضربه به مقتول وارد کرده ولی مدعی است ضربات وارده منجر به قتل نشده در صورتی که در نظریه پزشکی قانونی یک ضربه به کتف و گردن و پهلو... را مورد تأیید قرار داده و متهم نیز در اظهارات اولیه خود ضربات وارده به مقتول بخصوص ضربه وارده به گردن را قبول نموده و دفاعیات وکیل محترم خلاف مستندات پرونده می باشد، چرا که تنها مستند ادعای وکیل محترم اظهارات موکل او ناصر ف می باشد و دلیل قابل قبولی در معتبر بودن این ادعا ارائه و اقامه ننموده و در لایحه خود به فروضات و احتمالات و با ایجاد شبهه به دفاع از موکل خود پرداخته و دادگاه ناگزیر از تحقیق و بررسی مجدد و ارسال پرونده به دادسرای صادرکننده کیفرخواست جهت رفع این شبهات و ارتفاع نواقص مدنظر وکیل محترم را اجابت که ماحصل این تحقیقات پس از ارتفاع نواقص تأکید دوباره برادران الف پور بر اینکه تنها ناصر ف در صحنه چاقو داشته و این مطلب مورد تأیید خواهرزاده مقتول محسن اسکندری که یکی از شهود صحنه درگیری بوده قرار گرفته و ایشان نیز در مراحل اولیه تحقیقات مقدماتی تأکید دارند تنها ناصر ف دارای چاقو بوده و مسلم ح یک زنجیر یا چیزی شبیه به آن در دست داشت علیهذا با توجه به موارد پیش گفته و عنایت به مجموع محتویات پرونده و مفاد کیفرخواست و دلایل احصایی در آن از جمله گزارش مرجع انتظامی شرح معاینه جسد و گواهیهای صادره از پزشکی قانونی درخصوص علت فوت مقتول و نظریه کمبسیون روان شناسی و شکایت اولیاءدم و درخواست قصاص مرتکب و اظهارات برادر متهم محسن ف و همراهان وی و اظهارات متهم ردیف دوم کیفرخواست که در جبهه متهم ردیف اول بوده و درخصوص اظهارات اولیه متهم ناصر ف که به جهت عدم تأثیر از محیط و آموزشهای اطرافیان که از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است و به اتکای برخوردار از اظهارات شهود یاد شده و مکشوفات محصله از دادرسیها همگی مسیر متعارفی را برای حصول علم نوعی دادگاه بازگشایی و مقدر نمودند و نظر به تناقضات متعدد و مکرر و فاحش متهم ناصر ف که تا پایان دادرسی هم ادامه داشته خصوصاً این تناقض گوییها مربوط می شود به آن قسم از اظهارات متهم که خواسته خود را در واقعه جنائی مسلوب الاراده جلوه دهد و متهم دیگر کیفرخواست آقای مسلم ح را در پیکره مادی جنایت دخالت دهد و بعضاً وکیل محترمش بدان تمسک نموده است، شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان کرمان پس از مشاوره و اعلام ختم رسیدگی بشرح دادنامه شماره ۲۰۶/۹۶-۹۶۰-۰۰۰۲۱۵ چنین رأی میدهد رأی دادگاه: وکیل متهم عمده دفاعیات موکل خود را بر همین دو محور استوار نموده و از آنجا که ادعای مسلوب الاراده بودن به جهت مستی غیرموجه



بوده و قابل پذیرش نیست، زیرا آنچه در باب عوامل رافع مسئولیت کیفری مدنظر شارع مقدس و قوانین موضوعه است درجه ایی از مستی می باشد که موجب زوال عقل و قوه تمیز و درک فرد از محیط اطراف و عدم کنترل اعمال و رفتارش گردد، که در مانحن فیه علی رغم اینکه ادعای مذکور خلاف اصل بوده و مستلزم اثبات با ادله شرعی از سوی مدعی می باشد که براساس اظهارات متهم و همراهانش علت وقوع نزاع واکنش طرفین به نگاهها و رفتار و گفتار یکدیگر بوده، که دلالت بر داشتن اراده و اختیار در ارتکاب جرم دارد و عقل و شعورش به خوبی و به مثابه یک انسان عادی کار میکرده و فرمان می داده است و دفاع مسلوب الاراده بودن به هیچ وجه قابل پذیرش نیست خصوصاً که برخی از متهمین من جمله مسلم ح که هم محفل وی در شرب خمر بوده، گفته حال من عادی بوده و قرائن موجود نیز مبین همین امر می باشد و عطف توجه به اقرار متهمین به شرب خمر (به حد نصاب شرعی) و نظر به سایر قرائن و امارات حالیه و مقالیه جملگی موجب علم نوعی و متعارف و اقناع وجدان و انتساب بزه قتل عمدی مرحوم منصور پ با ایراد ضرب و جرح با چاقو به ناحیه گردن و سایر اعضاء بدن را به ناصر ف منتسب که بلحاظ حساسیت موضع، نوع آلت بکار رفته و شدت ضربات وارده مجموعاً عملی نوعاً کشنده و مرگ آفرین است و حال بشرح آنچه گذشت و صرف نظر از دفاعیات بلاوجه متهم لذا انتساب قتل عمدی ظلماً و عدواناً نسبت به متهم ناصر ف ثابت و محرز می باشد. فلذا به حکم آیه شریفه قصاص و معطوفاً به درخواست اولیاءدم که همگی درحد سن شرعی و قانونی جهت استیفاء حق قصاص می باشند مستنداً به مواد ۱۶۰ و ۱۶۴ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۲۱۱ کتاب اول و بند ب ماده ۲۹۰ و مواد ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۳۵۱ و ۳۸۱ و ۳۴۷ و ۴۱۷ و ۴۱۸ از کتاب دوم و سوم قانون مجازات اسلامی آقای ناصر ف را از باب مباشرت در قتل عمدی مرحوم منصور پ به تحمل قصاص نفس از طریق حلق آویز شدن به چوبه دار در محل زندان شهرستان دادسرای مجری حکم و از باب اتهام شرب خمر به تحمل هشتاد تازیانه شلاق حدی محکوم مینماید و اولیاءدم میتوانند با اذن ولی امر مسلمین نسبت به اجرای حکم قصاص اقدام نمایند. و آقای مسلم ح با اتهام شرب خمر به تحمل هشتاد ضربه تازیانه حدی محکوم و نسبت به ایراد ضرب بشرح مندرج در دادنامه قرار منع تعقیب صادر شد رأی صادره طبق مقررات قابل فرجامخواهی است امضاء هیئت دادگاه دادنامه در تاریخ ۶/۷/۱۳۹۶ به آقای محمدحسین اسماعیلی وکیل تعیینی آقای ناصر ف ابلاغ و لایحه فرجامخواهی در مورخ ۲۶/۷/۹۶ بدفتر دادگاه بدوی تقدیم و با پرونده به دیوان عالی کشور ارسال که باین شعبه ارجاع گزارش پرونده از سوی عضو ممیز شعبه تنظیم و مندرجات لایحه فرجامخواهی هنگام شور قرائت خواهد شد.

هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای سیدحسین بهرامی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای اصغر دشتبانی دادیار دادسرای دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر رد اعتراض و تأیید و ابرام دادنامه فرجام خواسته از توجه به معاینه جسد و اقرار و اعتراف محکوم علیه و حصول علم و سایر موارد مطروحه در پرونده، درخصوص دادنامه شماره ۲۰۱۵-۹۶۰۹۹۷۳۴۱۹۰۰۰۶/۱۳۹۶-۲۰ فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رأی می دهد:

«رای شعبه»

فرجام خواهی آقای محمدحسین الف وکیل تعیینی آقای ناصر ف فرزند نصراله ۲۶ ساله شغل جوشکار باسواد متأهل نسبت به قسمتی از دادنامه موصوف که متهم بارتکاب قتل عمدی مرحوم منصور پ بر اثر ایراد جرح با چاقو و شرب خمر بشرح

مندرج در دادنامه فرجام خواسته با توجه به شکایت اولیاءدم و مطالبه قصاص نفس قاتل باستناد مواد ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۱۱ و بند ب ماده ۲۹۰ و مواد ۲۶۴، ۲۶۵، ۳۵۱، ۳۸۱، ۴۱۷، ۴۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: ناصر ف از باب مباشرت در قتل عمدی مرحوم منصور پ به تحمل قصاص نفس از طریق حلق آویز شدن به چوبه دار در محل زندان شهرستان مجری حکم و از جهت شرب خمر به تحمل هشتاد تازیانه حدی محکوم گردیده است. فرجام خواهی و کیل تعیینی متهم از حکم محکومیت موکلش با التفات به جامع محتویات پرونده و معطوفاً به گزارش عضو ممیز شعبه وارد نبوده و موجه نمیباشد زیرا موضوع اتهامات متهم برای دادگاه از طریق علم قضات صادرکننده رأی و با توجه باینکه زمینه های مناسب برای حصول علم به نحو متعارف در پرونده وجود دارد و در هشت صفحه احصاء شده است اصدار یافته و خدشه و خللی بر اساس دادنامه موصوف با التفات به مبانی استدلال و تشخیص دادگاه ملحوظ نگردیده و اعتراض موجه و مدلی که نقض دادنامه فرجامخواسته را ایجاب نماید معمول نگردیده است و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی و تطبیق جرائم ارتكابی با قانون و تعیین کیفر شرعی و قانونی اشکالی بنظر نمیرسد فلذا باستناد بند الف ماده ۴۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری ضمن رد فرجامخواهی بعمل آمده این قسمت از دادنامه شماره ۹۶۰-۰۰۰۲۱۵ مورخ ۲۰/۶/۹۶ شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان کرمان ابرام میگردد. این رأی قطعی است. غ ۹/۱۲/۱۳۹۶

مستشار: سیدحسین بهرامی

رئیس شعبه چهارم دیوانعالی کشور: قاسم پناو

## ۱. بیان موضوع:

جرم قتل یکی از جرایم مهم علیه اشخاص محسوب می شود، که به لحاظ کیفر سنگین آن که سلب حیات است از اهمیت خاصی نسبت به سایر جرایم برخوردار بوده؛ زیرا در صورت اشتباه در آن و اجرای حکم، قابلیت جبران آن وجود ندارد، از طرفی حق حیات بالاترین حقی است که خداوند به بشر عنایت نموده، در قرآن مجید در آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده آمده: « مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا »<sup>۱</sup> هر کس فردی را بی آن که مرتکب قتل شده، یا در زمین فساد برانگیخته باشد، بکشد مانند آن است که همه مردم را کشته است. به پاسداری از آن در حوزه قوانین و مقررات اسلامی به خوبی پرداخته شده است. از جمله در قوانین از جمله اصل بیست و دوم بیان می دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

عنصر معنوی یکی از عناصر سه گانه بزه بوده، که در انتساب بزه به متهم باید مد نظر مرجع قضایی واقع شود، و در تعریف آن چنین آمده: فعل و انفعالات ذهنی مغایر با قوانین جزائی.

از اجزاء تشکیل دهنده عنصر معنوی یکی اراده، و دیگری آگاهی و علم است، علم هم شامل علم به موضوع و علم به حکم می باشد. اما اهلیت جنایی چیست؟ لازمه ی انتساب جرم به مرتکب رفتار مجرمانه، برخوردارگی او از خصوصیات ویژه ای است، این ویژگی را اهلیت جنایی می گویند، که قبل از تحمیل کیفر، باید احراز شود. اهلیت جنایی در حوزه مسئولیت کیفری همان عنصر روانی لازم برای انتساب رفتار مجرمانه به مباشر آن است، به همین جهت اهلیت جنایی را اهلیت اسناد می گویند.

در مفهوم اهلیت جنایی؛ چنانچه مرتکب دارای نیروی آگاهی (قوه ی تمییز تشخیص) و نیز اراده ی سالم باشد، و بتواند نسبت به ماهیت فعل ارتكابی، و آثار ناشی از آن آگاه باشد، اهلیت جنایی فاعل جرم، احراز شده، و می توان او را مسئول دانست.<sup>۱</sup>

مستی یک حالت روانی است که تحت تأثیر داخل شدن ماده ای در سیستم مغز، باعث از بین بردن یا تضعیف قوه تشخیص و اراده سالم می شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . هاشمی، سیده ثمین، تأثیر مستی خشک بر اهلیت جنایی و اسناد تقصیر، تهران: کتاب آوا، اول، ۱۳۹۵. صفحات ۲۳ و ۲۴.

<sup>۲</sup> . همان، صفحه ۱۰۳.

یکی از مسائلی که همواره فرا روی رسیدگی به پرونده های مهم قرار می گیرد، دفاعی است که بزه کار در پشت آن قرار می گیرد، و کار را برای مقام قضایی با ناهمواری مواجه می کند، این دفاع ادعای مستی در زمان ارتکاب بزه بوده، در پرونده مهمی چون قتل نیز توجه به این دفاع و بررسی سلب اراده از بزهکار، و تزلزل پایه های مسئولیت کیفری در بعد عنصر روانی، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. اما اینکه دادرس و مستنطق چگونه این موضوع را صحت سنجی و ارزیابی کنند؟ و چه محک آزمایشی برای وی در پرونده کیفری دارد؟ محل بحث و چالش می باشد. نظر به اینکه عنصر روانی و فعل و انفعالات ذهنی جلوه آشکاری نداشته، و با شواهد و قرائن و امارات باید به کم و کیف آن پی برد، کار را به مراتب با دشواری بیشتری مواجه خواهد نمود.

در ماده ی ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مقنن از ارتکاب بزه در حالت مستی یا نموده، که مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات و مواد مخدر و روان گردان مانع مجازات مرتکب نیست. اما چنانچه مرتکب به طور کلی مسلوب الاختیار شود، مانع کیفر خواهد بود. علل رافع مسئولیت کیفری از دیر باز هم پای عناصر سه گانه جرم در حرکت بوده، و به شکلی در قوام بخشی به عناصر مذکور از باب خالی بودن موانع احراز آنها نقش ایفا نموده اند. در بزه قتل نیز مقنن در ماده ی ۳۰۷ قانون مذکور باز هم مقنن ارتکاب جنایت در حالت مستی را موجب قصاص دانسته، مگر با اثبات سلب اختیار به طور کلی که به عنوان مانع عمل می نماید.

در پرونده مطرح در این نشست به این موضوع پرداخته شده که در صورت ادعای قتل در حالت مستی چه کنکاشی باید از سوی مرجع قضایی صورت گیرد، و در ارزیابی رأی صادره این موضوع به نقد و بررسی گذاشته می شود، و سوالاتی به شرح ذل مطرح می گردند:

۱- بار اثبات مسلوب الاختیار بودن بر دوش کیست؟

۲- منظور از مسلوب الاختیار همان مسلوب الاراده است یا خیر؟

۳- راه های احراز این موضوع کدام است؟

در ادامه به طرح نظرات و دیدگاه ها پیرامون رأی صادره و مطالب مطروحه در نشست نقد رأی می پردازیم.

## ۲. تحلیل و نظر حاضران و قضات صادرکننده رای

آقای روحانی (از قضات صادر کننده رای): نگارنده رأی آقای سیدی هستند، و توضیحات کامل را به وی واگذار می‌کنم. نقد رأی از دو جهت قابل بررسی است؛ یکی از جهات شکلی، شامل رعایت ترتیب در اجزاء رای، مشخصات کامل طرفین، ذکر نوع اتهام، مستندات و دلایل و قرائن و استنباط و نتیجه‌گیری و انطباق موضوع با مواد قانونی و در نهایت انشاء حکم در خصوص موضوع است، و در این رأی از جهت ماهوی بررسی دلایل و قرائن که مبسوط و گویاست، ارکان به خوبی تحلیل شده، به ارکان قتل عمد به نحوی توجه شده، در مورد دفاعیات متهم مبنی بر مسلوب الاراده بودن توجه شده است یا خیر؟ در این رأی به همه این مطالب توجه شده است، و منطبق بر مستندات قانونی انشاء رأی شده، و مورد تایید شعبه دیوان عالی کشور واقع شده است.

آقای سیدی (از قضات صادر کننده رای): دوستان رأی را مطالعه کردند، و موضوعاتی که در پرونده وجود دارد حکایت از آن دارد که جنایت در محلی که اتفاق افتاد مقتول بسیجی بود، و شهید محسوب شد، اما در رأی آورده نشد؛ چون شائبه‌ای مطرح نشود. در آن زمان ما با طیفی از اراذل و اوباش طرف بودیم، و از یک طرف هم بسیجی‌ها بودند، و سعی شد رای صادر شود که همه جوانب موضوع توجه شود، و همه بررسی‌ها انجام شد، و مفصل تشریح شد.

آقای امیر میجانی (قام مقام رئیس کل): ضرورت دارد که در هنگام تنظیم رأی اصول شکلی، و نگارشی، و لزوم تفکیک مقدمه یا گردش کار و اظهارات طرفین و ذکر اسباب موجهی حکم، و منطوق حکم رعایت می‌شود. محل قرار گرفتن گردش کار قبل از رأی می‌باشد. در رأی مذکور گردش کار عمدتاً در قسمت رأی بیان شده است. از اواسط صفحه اول تا چهار صفحه بعد دادگاه در مقام بیان اظهارات مطلعین و متهمین بوده، که اگر عین اظهارات می‌باشند، باید با علائم نگارشی مشخص می‌گردید، و اگر نقل به مضمون باشند، باید مشخص می‌گردید. دادگاه در ضمن اظهارات طرفین، و مطلعین به نقد این اظهارات نیز پرداخته است، در حالیکه شیوه‌ی صحیح این است که ابتدا باید اظهارات بیان شوند، و در قسمت ارزیابی دلایل و استدلال‌ها دادگاه به ارزیابی این اظهارات و نقد و بررسی آنها می‌پرداخت. از حیث محتوی در قسمت مستند بودن رأی، شیوه استناد به مواد قانونی به صورت فله‌ای و بدون اینکه مشخص شود به چه جهتی از این ماده استفاده شده است، و در استناد به این موارد در اسباب موجهی حکم مورد استفاده باید قرار گیرد.

در رأی هم به اقرار ماده ی ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی، وهم به علم قاضی اشاره شده است؛ در حالیکه اصل موضوع ودلیل اثبات بزه علم قاضی بوده، نباید به اقرار استناد می شد، واضافی به نظر می رسد. مستندات مربوط به تعیین مجازات در همان قسمت تعیین مجازات باید درج می شد. در قسمت ذکر دلائل، صرفاً به احصاء دلائل اکتفا نمی کردند، وتوضیح مختصری پیرامون آنها بیان می کردند؛ به طور مثال گزارش مرجع انتظامی که در این قسمت ذکر شده است شایسته بود مشخص شود گزارش چه مرجعی بوده، وکدام قسمت آن مورد پذیرش دادگاه بوده، به شرح معاینه جسد وافی مقصود نیست، وچگونگی آن باید درج می شد. عبارت سایر قرائن وامارات ایراد دارد؛ وباید این قرائن وامارات توصیف می شدند، ودر اسباب موجهی رأی مورد توجه قرار می گرفتند.

**آقای کریمی (مستشار دادگاه تجدیدنظر):** از جمله نکات مثبت رای، اشاره به کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرای عمومی وانقلاب می باشد، وبه دفاعیات وکیل توجه شده، وپاسخ آنها بیان شده است. به شبهه ی شرب خمر به خوبی پاسخ داده شده، استفاده از عباراتی همچون "حساسیت موضع"، "اصابت وشدت جراحات"، و"قتاله بودن آلت" به درستی صورت گرفته است. رأی صادره حاکی از اشراف کامل قضات بر پرونده بوده، وتلاش هیات حاکمه در جهت کشف حقیقت مشخص می باشد.

اما در مورد نکات قابل ذکر در نقد رأی می توان به عدم ذکر گردش کار اشاره نمود. اتهام متهم ردیف دوم ارتباطی با صلاحیت کیفری یک نداشته، واز مصادیق مشارکت نبوده، مانند شرب خمر وضرب وجرح ساده است، که باید در کیفری دو رسیدگی می شد. ذکر کلمه "ناچار قسمتی از بازجویی ها منعکس کنیم" از لحاظ ادبی برای محکمه مناسب نیست. به عرف عرق خورها اشاره شده، عدم ورود بهتر است، وعرف عرق خورها ی قبلی با فعلی متفاوت می باشد، وشاید فعلی ها عدالت قبلی ها را نداشته باشند. علت فوت وشرح معاینه جسد ونظریه ی کمیسیون پزشکی قانونی باید به آنها پرداخته می شد. اشتباه تائیدی داشته از جمله امکان، "اسکان" نوشته شده است. در پرونده اصل درگیری تایید شده، آنجا که در صفحه ی ۴ رأی آمده: «طرفین به حالت دوئل رفته اند، ومقتول مشتی زد، به بینی ناصر وفرار کرد، وآجر به سینه قاتل زد ومی خواست آجر بعدی را بزند.» هر چند وکیل وارد موضوع دفاع مشروع نشده است؛ ولی با توجه به تبصره ی ماده ی ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی ضرورت داشت دادگاه موضوع را تحلیل وبیان کند، که از مصادیق دفاع مشروع بوده است یا خیر؟

آلت قتاله کشف نشده، یا یافت نشده، بهتر بود که در رأی اشاره می شد؛ چون جزء مهم جرم است. تبصره ماده ی ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اشاره نشده، که طرف متوجه بوده که رفتارش نوعاً کشنده می باشد، روی این موضوع بحث شده ولی اشاره ای نشده است.

آقای دکتر موسوی (عضوهیات علمی دانشگاه آزاد): در بحث تکنیک و فن نوشتار و صدور حکم کمتر صاحب نظر هستیم. به لحاظ ظاهری رای، رأی مناسب و در خوری است. اما جای یک سلسله بحث های علمی در مورد تکنیک عناصر اهلیت جنایی خالی است، وچه خوب بود که در رأی به این نکته مهم توجه می شد. اهلیت جنایی چیست؟ آنچه عزیزان را واداشته بر اثبات اراده و اختیار چه چیزی بوده است؟ در حقوق کیفری نوین دکترین بسیار به اهلیت جنایی توجه می کند، و آن را حاصل دو مؤلفه، یکی آگاهی و علم، و دیگری اختیار است. یکی از سئوالات این نشست هم تفاوت مسلوب الاراده و مسلوب الاختیار بوده است. من این موضوع را مطرح می کنم، و نظر قضات صادر کننده رأی را جویا می شوم. آنچه امروز دکترین روی آن تاکید می کنند اساساً اراده است و اراده را جاری مجرای عمل حقوقی می دانند، و اختیار را اثر و نتیجه اراده می دانند.

اراده در تعریف های حقوق به معنی خواستن و رجاء است، آن حرکت اولیه است. اما اختیار به معنی مختار بودن و گزینش است، و این مسئله در این رأی بسیار حائز اهمیت بوده، که آیا ما این اشخاص را مسلوب الاراده بدانیم یا ندانیم، یا نقش اراده به چه شکلی مدنظر قرار گرفته است، آیا قضات محترم به این سلب اراده توجه داشته اند یا خیر؟ در صفحات دادنامه نقدی در این موضوع مشاهده نشد.

استناد به یک بحث عرفی یعنی منش و شیوه کسانی که شرب خمر دارند، و به شیوه محفلی اشاره شده است، و کمتر در مورد اراده این اشخاص و اثبات اراده این اشخاص پرداخته شده، و جای بحث دارد، و باید در متن حکم قید می شد. قیاس صورت گرفته، و همکار وی اعلام نموده است اختیار داشته، و فاصله ای که در ترک موتور مبادرت به راندن موتور نموده است، دلالت بر بقاء اراده دارد، و همچنین یکی از شرکاء متهم به جرح با زنجیر می باشد، و اینکه مباشر دارای این اراده هست؟ به نظر من دلیل متقنی نیست که بخواهیم با این دلیل هر دو شخص را صاحب اراده و بعد از آن صاحب اختیار بدانیم. مباحث عرفی و قیاس ها استدلال و نتیجه گیری را مخدوش می نماید.

آقای شجاعی (نماینده مرکز وکلاء): ۱- وقتی شخصی مرتکب عمل مجرمانه ای می گردد بار اثبات بی گناهی بر گردن اوست. بر طبق نظر فقها و حضرت امام (ره) در تحریر الوسيله جلد چهارم کتاب قصاص صفحه ی ۲۹۵ چنانچه تردید نسبت به مسلوب الاختیار بودن فرد مست باشد باید وی را مختار و عامد دانست، و در این جا بار اثبات بر گردن اوست. متهم در این پرونده شرب خمر خود را اثبات نموده، و دادگاه او و همراهیانش را به حد محکوم نموده، حال متهم باید علاوه بر اثبات شرب خمر، مسلوب الاراده بودن خود را هم اثبات نماید. از طرفی شرب خمر لزوماً به مستی منجر نمی گردد. در بحث قانون، مستی است که از عوامل رافع مسئولیت کیفری شناخته می شود، نه شرب خمر. اما برخی گفته اند احراز و بررسی افعال مرتکب برای تشخیص فقدان یا وجود اراده با دادگاه است.

۲- منظور از مسلوب الاختیار همان مسلوب الاراده هست یا خیر؟ اکثریت دانشمندان علوم کیفری معتقدند مسلوب الاختیار بودن همان بی ارادگی است یعنی فرد در ارتکاب جرم قصد فعل و نتیجه را نداشته است. همانطور که قانون گذار در ماده ی ۱۴۴ قانن مجازات اسلامی در خصوص تحقق جرائم عمدی بیان کرده علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او را در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز نمود. مفهومی که از اختیار ارائه می شود معمولاً مجمل و آمیخته با ابهام است؛ به طوریکه که گاه به جای اراده، قصد، رضا، و مانند آن استعمال می گردد. هر چند در قانون سابق بین این مفاهیم خلط مبحث شده بود، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۵۴ و ۳۰۷ این قانون از اصطلاح مسلوب الاختیار استفاده کرده، اما در معنا تمایزی برای آن قائل نشده است. قانون گذار در صدر ماده ی ۱۵۴ قانون مذکور، بی ارادگی را از آثار مصرف مسکرات ذکر کرده، و آنچه در مستی باعث رفع مجازات از شخص مست می گردد زوال اراده است نه اختیار. هر چند با زوال اراده صحبت از اختیار معنا ندارد. ممکن است گفته شود در شرایط اکراهی و اضطرار فرد مختار است و مکره می تواند از ارتکاب جرم اجتناب نماید، و تن به ضرر دهد. لذا مسلوب الاختیار نیست. هر چند اختیار محدود گردیده است. بر عکس در حالیکه فرد به طور کلی مست باشد باید گفت که مسلوب الاراده و اختیار است. در این پرونده متهم به قتل و همراهان وی اراده لازم جهت موتور سواری و تعقیب قربانی و درگیری و قتل و در نهایت قدرت فرار داشته اند، و قضات محترم به درستی تشخیص داده اند. اراده یعنی توانایی آگاهانه و اقدام مبتنی بر تدبیر و تشخیص و اختیار یعنی آزادی در انتخاب .



۳- راه های احراز این موضوع کدام است؟ برای احراز موضوع باید معیارهای تشخیص مستی را بدانیم الف- معیار کمی، نوعی، یعنی وجود میزان مشخصی از الکل در خون ب- معیار کیفی، ماهوی : یعنی نحوه رفتار فرد منطبق با رفتار انسان متعارف نیست

حال تعریف مستی چیست؟ ۱- زوال عقل به واسطه شرب خمر. ۲- زوال عقل به نحویکه نتواند کم را از زیاد وزمین را از آسمان وزن را از مرد تشخیص دهد. ۳- حالتی که هذیان بر گفتار غلبه کند. ۴- مصرف الکل به مقداری که برای ایجاد تغییرات رفتاری غیر انطباقی کافی باشد.

هر کدام از این تعاریف بحث احراز مستی را برای قاضی از طریق پزشکی قانونی یا علم خود با تطبیق افعال مرتکب در صحنه جرم با یک انسان متعارف مشخص می کند.

در آخر: رأی صادره در عین حال که از استدلال حقوقی برخوردار است وقضات محترم به نحو شایسته سعی در اثبات وجود اراده و اختیار متهم در زمان ارتکاب جرم داشته اند وشایسته تقدیر می باشد نکاتی در نقد آن مطرح می گردد:

الف) جایگاه استفاده از قواعد و اصول فقه در این رأی مشخص نیست. بهتر بود از اصل استصحاب در اثبات وجود اراده به تبع وجود اراده و اختیار سابق ( نحوه حضور در صحنه جرم ) استفاده گردد. ویا بر عکس برای اثبات مسلوب الاراده بودن از قاعده درء به محض شک در وجود استفاده نماید. البته تعارض بین این قاعده درء واصل استصحاب در این مسئله واضح است. یعنی اگر شک در شرب خمر ومستی نمائیم باید حکم به برائت دهیم یا به وجود اختیار و اراده متهم.

ب) استدلال و دفاع وکیل محترم اولیاء دم در اثبات وجود اراده و اختیار برای متهم در حین ارتکاب جرم چه بوده؟ وچرا در متن رأی تحریر نگردیده، فقط استدلال قضات محترم آمده است.

ج) خلاصه پرونده اگر در گردش کار می آمد بهتر بود.

آقای اکبری زاده (مستشار دادگاه تجدیدنظر): محصول این جلسه نکات آموزشی و علمی و پژوهشی خواهد بود، وبا انعکاس نتیجه این نشست، سایر همکاران نیز از ثمرات این جلسه استفاده می نمایند.

آنچه که به عنوان متون قانونی در نقد آراء بیان می شود، وقابل خدشه و تشکیک نیست، و چون قانون فصل الخطاب است، آن نکته قانونی مورد تسالم خواهد بود، و بر خلاف نکاتی که جنبه استحسانی دارد.

از نکات قوت این رأی تلاش در جهت مستدل نمودن رأی بوده که قابل تحسین است، و اینکه به دفاعیات متهم و وکیل وی پرداخته شده، و به فراخور موضوع سعی در انعکاس پاسخ دفاعیات بوده است، و مفاد رأی حاکی از اشراف و تسلط قضات صادر کننده رأی بر محتوی پرونده بوده است.

اما نکاتی که در نقد رأی می توان به طور خلاصه اشاره کرد یکی در بعد ساختار رأی می باشد که این رأی فاقد گردش کار می باشد. ماده ی ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از ارکان دادنامه را شروع رأی با نام خدا می باشد، که متأسفانه ما شروع دادنامه را به نام خدا نمی بینیم، و این یک اشکال اساسی و قانونی است در حالیکه در نظام قضاء اسلامی، آرای محاکم اسلامی طلیعه و آغاز گر شان باید نام خدا باشد.

نکته بعد گردش کار است، که مقنن در این ماده ۳۷۸ قانون مذکور آنرا از اجزاء تشکیل دهنده رأی شمرده، که محل آن هم قبل از عبارت " رأی " می باشد.

از لحاظ نکات نگارشی هم به علائم نگارشی مانند نقطه ویرگول، گیومه و نقل قول و امثال آن توجه نشده است، و مورد استفاده قرار نگرفته است، در حالیکه این علائم نگارشی در انتقال مفهوم جملات و کلمات به مخاطب بسیار تاثیر گذار است، که متأسفانه در آراء ما کمتر از این علائم نگارشی استفاده می شود.

یکی از نکات محتوایی هم این است که در مورد اتهام متهم ردیف دوم مبنی بر ایراد ضرب ساده، صرف نظر از ایراد صلاحیتی که همکار محترم جناب آقای مطرح نمودند، این است که این عبارت در رأی آمده «... نسبت به اتهام دیگر متهم ردیف دوم مبنی بر ایراد ضرب ساده، صرف نظر از انکار متهم، نظر به اینکه در قوانین جاریه مجازات اسلامی، چنین عنوانی نداریم و جرم انگاری نشده است و تنها مجازات آن را پرداخت دیه مقرر داشته و اولیای دم نیز چنین درخواستی را مطرح نکرده اند، لذا از این حیث رأی بر منع تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد» این در حالی است که در ماده ی ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن این موضوع را جرم انگاری نموده است، که توجه همکاران محترم را به این موضوع جلب می نمایم.

آقای موحد (رئیس کل دادگستری استان): در مقدمه رأی مشارکت در نزاع دسته جمعی منتهی به قتل عمدی درج شده، آیا این موضوع در کیفرخواست اشاره نشده است؟ آیا دلیل درج این عنوان پیش فرض واشکال در سه گانه سازی بوده است؟

آقای روحانی (احد از قضات صادر کننده رای): این عنوان مشارکت در نزاع دسته جمعی منتهی به قتل عمدی در سیستم اصلاح نشده است، و این عنوان در کیفرخواست نبوده است.

اما در مورد نکات مطروحه برخی مباحث جای بحث دارد، وراجع به تفکیک گردش کار از سایر اجزاء رای، این ایراد را قبول دارم، و محاکم کیفری اگر گردش کار جامعی داشته باشیم خیلی خوب است، و شرح ما وقع منعکس شده است. در پرونده قتل که دفاعیات متهم را طرح و ارزیابی کنیم و شرح ما وقع را بیان کنیم، و از اظهارات طرفین آنچه در ارزیابی موثر است باید منعکس شود، نه همه اظهارات ایشان، و سپس دادگاه به نقد و بررسی آنها بپردازد، و بحث تطویل و حشو زوائد را باید از رأی دور کرد، و این ایراد را می پذیرم. در بحث اهلیت جنایی اصل بر آگاهی و وجود اراده در فرد است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. ماده ی ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی هم باید تبادل نظر داشته باشیم که به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده شده است ماده ۶۱۴ راجع به جراحات منتهی به نقص عضو می باشد و مجازاتی بابت ضرب ساده نداریم. [پس از قرائت ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آقای روحانی ایراد را پذیرفتند.]

آقای سیدی (احد از قضات صادر کننده رای): در نگارش رأی محدودیت های خاص خود را داریم، و این رأی در شش صفحه نگارش شده است، باز هم مورد ایراد همکاران می باشد، که باید خلاصه تر باشد. در بحث علم قاضی نیز که آقای امیر میجانی فرمودند ما بیشترین قرائن و امارات را بیان کردیم، و دیوان هم به این موضوع اشاره نموده است، و اقرار به اینکه «این ضربه را زده ام» اشاره شده و قرائن و امارات مبنی بر اینکه "دارای اراده بوده است" آورده شده است. در مورد دفاع مشروع چیزی نبوده است، ولی دادگاه اشاره نموده است. فرهنگ میگزاری از باب مباحث علمی بوده است، و اینکه این فرد با موتور سیکلت ده کیلومتر رانندگی نموده است، و مسائل دیگری که حاکی از اراده و آگاهی وی بوده است.

آقای موحد (رئیس کل دادگستری استان): از این جلسه بهره بردم و دومین جلسه می باشد. نکات علمی خوبی مطرح شد، و به قضات شعبه ی اول دادگاه کیفری یک کرمان تبریک می گویم،

و تشکر می کنم که رأی خودشان را به نقد گذاشتند. از دوستان شرکت کننده هم سپاسگزارم، و امید است که آراء محاکم مورد توجه مراجع علمی قرار گیرد، و هر رأی یک مقاله کیس محور تبدیل شود، و موضوع تشریح شود و از نگاه قضایی ارزیابی شود، که همان اسباب حکمی و موضوعی می باشد، و منطوق حکم و مستدل باشد، و همه این نکات در آن رعایت شود و در مراجع علمی دانشگاهی و حوزوی مورد استفاده قرار گیرند. رأی را از جهات مختلف پسندیدم، استحکام لازم را دارد. مسلوب الاراده و مسلوب الاختیار صبغه فقهی دارد، و اهلیت کیفری موضوع بسیار مهمی است و قبل از بار کردن مسئولیت کیفری باید اهلیت کیفری وی اثبات شود، و آثار پرونده شخصیت باید در رأی منعکس شود، و از آقای سیدی که نگارش رأی را داشتند تشکر می کنم، و اینکه دوستان اشکالات را پذیرفتند، ولی اشکالات اساسی و مبنایی نبوده، که به اساس رأی خدشه وارد نماید، و دیوان عالی کشور هم این رأی را پذیرفته است، و بیان اظهارات طرفین باید عین اظهارات طرفین درج شود، و به نظر من مضمون کفایت نمی کند، و در رأی هم عین اظهارات قید شده است. استدعا دارم که دوستان با مطالعه بیشتری در جلسه حضور یابند.

## بخش سوم. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رای صادره در سه بعد نگارشی، ساختاری، و محتوایی دارای نقاط مثبت و نکات قابل نقد می‌باشد. که به هر یک از این موارد در سخنان شرکت کنندگان اشاره شد. اما موضوع اصلی جلسه و بحث مسلوب الاراده بودن است، که مقنن در مواد ۱۵۴ و ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بدان اشاره نموده است. بین مسلوب الاراده و بی ارادگی و مسلوب الاختیار بودن تفاوت وجود دارد، وابتدا اراده قرار دارد، و سپس اختیار که نتیجه انتخاب فرد ذوالاراده است محقق می‌شود، و مقنن از هر دو استفاده نموده است.

چنانچه متهم به مسلوب الارادگی در اثر شرب خمر استناد کند، با دلیل قاطع و برهان مستحکم دادگاه باید به این موضوع در جهت پذیرش و یا عدم پذیرش آن برخورد نماید، هر چند راه‌های کشف حقیقت پیرامون آن با صعوبت‌ها و مشقاتی همراه و قرین است. در این پرونده تلاش دادرسان بر این بوده که این موضوع را به صورت واضح و آشکار بیان کنند، اما در برخی از خطوط رأی به انحراف از حرکت معیار دچار شده‌اند، ولیکن توجه به این دفاع و کنکاش پیرامون آن در عرصه داوری و قضاوت و انصاف قابل توجه بوده و ستودنی است.

والسلام